

حصارها - دزدل واشنگتن - ۲۰۱۶

پدر (دزدل واشنگتن):

خیلی از افراد حصارهایی می‌سازند که مردم را

بیرون از آنها نگه دارند

و افراد دیگر حصارهایی می‌سازند که مردم را به‌زور در آنها نگه دارند.

زبان نارسای دولت

رهبری در دیدار هیئت دولت، با انتقاد از ضعف در تبلیغ اقدامات، خواستار کارآمدسازی فعالیت‌های رسانه‌ای دولت شدند. مشکل بخش رسانه‌ای دولت آن است که رسانه‌های حرفه‌ای که مورد اعتماد و طرف مراجعه عام هستند، اخبار اینها را بعضاً پوشش نمی‌دهند و عموماً منتقد دولت‌اند و رسانه‌های اصولگرا نیز مشغول با اندک مخاطب سمیات و هوادار، فاقد تأثیرگذاری بر مخاطب عام هستند.

به نظر من، تیم رسانه‌ای دولت، تیم خوب و منسجمی است، اما فاقد سکوی دارای مخاطب برای انتقال محتواس‌ت. اگر صداسیما، رفتار حرفه‌ای داشت و مخاطب میلیونی را دودستی تحویل مرجع خبری بیرونی نمی‌داد، امروز زبان دولت چنین الکن نمی‌شد. لابد باید گفت خودکرده را تدبیر نیست؛ سال‌ها گزگزاکرکری رسانه‌های اصولگرا و بدرفتاری برای مخاطب عام، چنین عاقبتی دارد.

در ملاقات اخیر، انتقاد رهبری از بخش رسانه‌ای دولت، چهار مرتبه تکرار شد که بی‌سابقه است. شاید یک دلیل آن باشد که سکانداران رسانه‌ای دولت، عموماً تیپ کیهان، رجانویز و جبهه پایداری هستند و این جریان، عمده تجربه‌شان در جایگاه اپوزیسیون برخی دولت‌ها بوده و تجربه کار ایجابی در جایگاه متولی، تبیین، پاسخ‌گویی و دفاع ندارند و انگار فاز تهاجم و اپوزیسیون طرف مقابل در آنها نهادینه شده است.

اصولگراها در سه دهه گذشته همواره خیال‌شان از حضور مؤثر در ارکان اجرایی راحت بوده و کمتر نیاز به افق‌افکار عمومی احساس کرده‌اند. سازمان صداسیما درست‌تر اختیارشاری بوده است و جریان اصلی رسانه‌های رسمی، اعم از خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها را تحت سیطره خود درآوردند؛ ضمن آنکه توان کافی برای کنترل رسانه‌های رقیب داخلی را به خوبی داشته‌اند. تعطیلی و سخت‌گیری بر روزنامه‌نگاران غیرمتعهد به جناح مطلوبیشان، در طول سال‌های گذشته با قوت جریان داشته است، به نحوی که بسیاری از صاحبان قلم، عطای روزنامه‌نگاری را به فقایش بخشیدند، گوشه عزلت گرفتند، سرگردان غربت شدند یا تعدادی در حبس هستند.

مشکل دولت آقای رئیسی این است که رسانه‌ای ندارد که در جامعه نفوذ داشته باشد. مرجعیت خبری متأسفانه به خارج از کشور انتقال یافته است. مخاطب امروز، نیاز خبری خود را گزینشی می‌کند و عموماً از رسانه‌های حرفه‌ای اطلاعات دریافت می‌کند. تلویزیون جای خود را به شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی داده که کنترل‌شان خارج از اختیار و غالباً در نقطه مقابل آنهاست.

رسانه‌های دولت، الزامات یک رسانه حرفه‌ای را رعایت نمی‌کنند و شاید دلیل آن ناشی از قطعاعات و انتظارات نیروهای خارج از رسانه است. در دولت قبل در مقطعی تلاش شد تا رسانه‌های دولت کمی حرفه‌ای‌تر اداره شوند که همان هم تحمل نشد.

یادداشت

چرا مهاجرت می‌کنیم؟



وحید معتمدنژاد

تاکنون دلایل متعددی را برای مهاجرت برشمرده‌اند که با نگاهی گذرا از آن عبور کرده‌ایم و در ذهن هر کدام از ما ثبت حافظه‌ای شده که به مرور زمان کم‌رنگ و گم‌رنگ‌تر شده است. اما به راستی دلیل واقعی مهاجرت چیست؟ در سال‌های اخیر موضوع مهاجرت در کشور ما از تعریف جامع آن فراتر رفته و مفهوم جدیدی پیدا کرده، مفهومی که ورای تعریف کلی مهاجرت است. در طبقه‌بندی و شاخص افرادی که مهاجرت می‌کنند می‌توان به یک موضوع واحد اشاره کرد و آن «بایستگی مهاجرت» در قبال شرایط جامعه‌ای است که سرلوحه ادبیات عامه‌ای برای علل مهاجرت است بدون آنکه ریشه در هدفی خاص و یا همسو با جریان توسعه‌گرایی فردی داشته باشد. به جرئت می‌توان گفت این روزها در بسیاری از محاوره‌های فردی، جمله «باید رفت» بر زبان بی‌شماری جاری است که این تنها رفتار واکنش‌دار بر فشارهای لحظه‌ای و جانبدارانه در تقابل با معضلات اجتماعی است که در فرد بروز می‌کند و او را به رفتنی ترغیب می‌کند که ناآشنای فرهنگی متفاوت با فرهنگ خودش است و در بسیاری از موارد با سرگشتگی و گمراهی مجبور به برگشت می‌شود. آن سبوی مهاجرت نوع نگاهی است که فرد «بختتر» را در جامعه القا کرده تا از این طریق خود را از سایر طبقات اجتماعی جدا و به فخرفروشی بیندیشد. اینکه او راهی را برمی‌گزیند تا با هر مشکل عدیدهای دست‌وپنجه نرم کند چیزی جز «رهایی به هر قیمتی» نیست و در تعریف مهاجرت برای به‌گزینی و توسعه نمی‌گنجد.

نکته دیگری که وجود دارد، این است که اگر عملکرد دولت مناسب باشد، به نحوی که اثر آن در زندگی آحاد مردم دیده شود، خود آن اصل تبلیغ است. کارشناسان اقتصادی و دلسوزان عموماً کادر مدیریتی دولت را در مواردی ضعیف ارزیابی می‌کنند. دولتی که قرار بود فراچنانچی باشد، جناحی‌ترین چنینش را داشته و علی‌رغم نمایان‌شدن ضعف، اصرار بر حفظ آنها و بی‌توجهی به تذکرات کارشناسان، مزید بر علت شده است.

رهبری همواره بر ارتباط با نجبگان جامعه تأکید دارند، اما چنین رویکردی در رسانه‌های دولت قابل مشاهده نیست. صفحات اول روزنامه‌های ایران، کیهان، همشهری و وطن امروز و عناوین اصلی خبرگزاری‌های فارس، تسنیم و ایرنا، بیشتر از آنکه ایجابی باشد و دیدگاه نجبگان را پوشش دهد، مثل بولتن حزبی در پی پاسخ‌دادن به رقیبان و تخریب آنها هستند و دیدگاه کسانی را انعکاس می‌دهند که همواره در صفحه تلویزیون هستند و کمترین تأثیری بر افکار عمومی ندارند. بی‌اعتمادی مخاطبان به رسانه‌های طرفدار دولت، ریشه در همین بی‌توجهی به نجبگان و ستیزه‌جویی با دلسوزان اجتماعی دارد.

اکنون مدل اداره رسانه، سیستم کم‌عده و چالاک است و دوران تلویزیون دولتی ۵۰ هزار نفری به تاریخ پیوسته است. فقدان درک صحیح از فضای رسانه نزد دولتمردان باعث شده تا هر کاری دولت می‌کند، نتیجه آن برعکس شود. امروز رسانه در دنیا، بالا به پایین نیست؛ تعاملی است. خود مردم تولیدکننده محتوا هستند؛ با واکنش به اخبار در فضای مجازی. بر افکار عمومی ندارند. بی‌اعتمادی مخاطبان به رسانه‌های هوادار دولت، چه تغییری در رویکرد آنها ایجاد خواهد کرد؟ فعلاً که مدیرعامل ایرنا، آن را دستاویز و بهانه‌ای برای توسعه کمی و لابد بودجه و امکانات بیشتر کرده است. پیش‌بینی من این است که اتفاق خاصی در جهت بهبود عملکرد نخواهد افتاد. رسانه‌داران اصولگرا سعی می‌کنند روایت غالب باشند، اما نمی‌دانند که روایت با مخاطب و فراگیری آن معنا پیدا می‌کند نه تعداد زیاد رسانه. تولیدکنندگان روایت تصمیم می‌گیرند چه سطحی از جامعه را تحت تأثیر قرار دهند؛ وقتی سازندگان و طراحان یک روایت تصمیم بگیرند که مخاطب روایتشان، نه اکثریت جامعه بلکه جماعت خاصی باشند، نمی‌شود به زور و ضرب برای آن روایت مخاطب عمومی تراشید.

پیشنهاد من این است که برای یک بار هم که شده، برای اداره رسانه از تیم کاملاً حرفه‌ای و غیرایدئولوژیک بهره ببرند. برای مثال یک بخش خبری یکی از شبکه‌های تلویزیونی را در اختیار روزنامه‌نگاران مستقل بگذارند و فقط رویکرد کلی آن را حمایت از دولت قرار دهند و در کار آن دخالت نکنند؛ بعد نتیجه‌اش را ببینند.

پایه‌ای که آقای شریعتمداری از دهه ۷۰ در کیهان برای رسانه‌های اصولگرا نهاده و اکنون هزاران نمونه ریز و درشت از آن تکثیر شده، نه‌تنها موفقیت‌آمیز نبوده، بلکه جناح اصولگرا را به یک جریان اقلیت دارای قدرت اما فاقد محبوبیت مردمی تبدیل کرده است. گذار از این روش مردود و منسوخ و مغایر با اصل مردمی‌بودن انقلاب اسلامی، اتخاذ روش علمی و حرفه‌ای، اعتمادسازی و صداقت، راه چاره است. پذیرش خطا، کام اول برای بهبود و اصلاح است.

خبرخوانی

دور دنیا در یک دقیقه

سحر طلوعی؛ ما هر روز به چهار گوشه جهان سر می‌زنیم و خبرهایی را که کمتر دیده شده است، مرور می‌کنیم.

آمریکا: بارش باران و کل و لای که صحرای نوادای آمریکا را فراگرفت، بیش از پیش توجه رسانه‌ها را به جشنواره مرد سوزان جلب کرد، اما حالا خبر می‌رسد پای پلیس هم به ماجرا باز شده است. پلیس توضیح چندانی نداده است، اما کسی یا کسانی جان خود را در این گردهمایی از دست داده‌اند؛ بابت وضعیت جوی بوده که اتفاق دیگری افتاده؟ هنوز هیچ چیز مشخص نیست. تنها موضوع مشخص اینکه همچنان زیر پم از گل‌ولای است و عبور و مرور بسیار سخت. شرکت‌کنندگان زیادی برای خروج از این وضعیت سرگردان شده‌اند.

ژاپن: ژاپنی‌ها از یک سو با نرخ پایین تولد مواجه شده‌اند و از سوی دیگر با افزایش جمعیت سالمند. این گزاره یعنی ژاپن با کمبود نیروی کار دست و پنجه نرم می‌کند.

حالا پرسش این است؛ ژاپن مرزهای خود را روی «مهاجران ماهر» باز می‌کند؟ اگر مهاجران ماهر بتوانند مانع زبانی را پشت سر بگذارند، جز آن باید در سطوح پایین خدمت کنند.

ژاپنی‌ها ترجیح می‌دهند کارگران ماهر را از فیلیپین، ویتنام و اندونزی انتخاب کنند. اما یادگیری زبان ژاپنی سخت است؛ به قدری که فیزیوتراپیست سریلانکایی در توکیو کارگر نانوالی بود!

بریتانیا: پیش از اینکه درهای مدارس بریتانیا گشوده شود، نظرسنجی گسترده‌ای از معلم‌ها و کارمندان آموزشی صورت گرفته است؛ ۷۲ درصد آنها انتظار دارند دانش‌آموزان را با موهای زولیده ببینند. موهای زولیده و



● خادمین حسینی که در کنار رود فرات زندگی می‌کنند در ایام اربعین با قایق هایشان از طریق رود زائرانی را که از مسیر نخلستان به سمت کربلا می‌روند برای استراحت به خانه‌های خود می‌برند و با خدمت به زوار ارادت خود را به اباعبدالله الحسین (ع) نشان می‌دهند. عکس: هادی هیربدوش، فارس

اتفاق خوانی

تولد افرا در تنهایی

دیروز تولد افرا دختر نرگس سرداری و مهدی اعتمادسعید بود. پدر و مادرش تسویهلگر مهارت‌های فردی، بازیگر و مشاور هستند. مهدی اعتمادسعید از تاریخ ۱۹ خردادماه سال جاری در پارک لاله، بازداشت شده و نرگس سرداری نیز ۲۵ مرداد بازداشت شد. هنوز علت بازداشت این خانواده که در آن زمان دخترشان سه‌ساله بود، مشخص نشده

است. اعتمادسعید از حدود هفت سال پیش پروژه اجتماعی «پرتاپ» را راه‌اندازی کرده است. این پروژه را «با هدف شادکردن کودکان» به شکل «داوطلبانه، عام‌المنفعه» و بدون هیچ‌گونه وابستگی به هیچ نهاد یا سازمانی برپا کرده است و در این مدت در پارک‌ها و فضاهای شهری و البته مناطق کم‌برخوردار برای بازی و شادی کودکان برنامه‌ریزی می‌کرد. او روز جمعه ۱۹ خرداد جاری، هنگامی که مانند همیشه با جمعیت زیادی از کودکان و خانواده‌های آنها مشغول بازی بود، پس از متفرق‌شدن جمعیت بازداشت شد. در این مدت نزدیک سه ماه همسرش چند بار برای بازجویی احضار شد تا سرانجام روز ۲۵ مرداد او نیز بازداشت شد. خانواده‌اش امیدوار بودند هر دو برای تولد «افرا»، دخترشان، آزاد شوند. این اتفاق نیفتاد و دیروز تولد افرا بود که وارد سال دیگری از زندگی‌اش شد؛ درحالی‌که پدر و مادرش در کنارش نبودند.

زندانیان به قزلقصار منتقل شدند

۱۷ مرداد امسال و پس از تخلیه کامل زندان رجایی‌شهر کرج و انتقال زندانیان از این مرکز اعلام شد که قرار است زندان قزلقصار نیز تخلیه شود. استنادارن البرز در آن تاریخ از تصویب انتقال زندان قزلقصار خبر داد. حالا در کمتر از سه هفته خبر رسیده است که کامیار فکور، روزنامه‌نگار و ترانه‌سرا صبح یکشنبه ۱۲ شهریور بدون اعلام قبلی به زندان قزلقصار کرج منتقل شده است. مأموران زندان صبح یکشنبه بدون اعلام قبلی او و چند نفر دیگر از زندانیان را منتقل کرده‌اند. برادر فکور در صفحه اینستاگرام خود نوشت که علاوه بر کامیار، چند زندانی دیگر از بند چهار اوین هم به قزلقصار منتقل شده‌اند. به گفته او ابتدا به خانواده‌هایی که برای ملاقات به زندان اوین رفته بودند، گفته شد که کامیار به دادگاه برده شده است. این انتقال بدون اطلاع قبلی صورت گرفته و علت آن هم نامشخص است. فکور که سال گذشته بازداشت شد، به شش ماه حبس تعزیری محکوم شده است. همسرش سروناز احمدی نیز در بند زنان زندان اوین است. یکی دیگر از کسانی که از زندان اوین به قزلقصار منتقل شده است، جعفر ابراهیمی، فعال صنفی معلمان، است که از اردیبهشت ۱۴۰۱ در زندان است و حکم پنج‌ساله دارد. او از نظر جسمی دچار بیماری شدید است و اغلب نمی‌تواند خودش به‌تنهایی حرکت کند. همچنین چند نفر دیگر نیز همراه این دو نفر به زندان قزلقصار منتقل شده‌اند که اسامی این زندانیان سعید ماسوری، افشین بایمیان، حمزه سواری، حسین کیلو، مسعودرضا ابراهیمی‌نژاد، لقمان امین‌پور، سامان یاسین (صیدی)، محمد شافعی و مطلب احمدیان اعلام شده است.

لباس‌های کثیف نمادی از وضعیت فقر است. معلم‌ها می‌گویند شرایط اقتصادی و بحران سطح زندگی بر ظاهر دانش‌آموزان هم تأثیر می‌گذارد.

فقر بهداشتی متأثر از افزایش هزینه‌ها خاصه انرژی و کاهش استفاده خانواده‌ها از ماشین لباس‌شویی و موارد مرتبط، دانش‌آموزان را با لباس‌های کثیف و دندان‌های مسوک‌نژده راهی مدرسه می‌کند.

استرالیا: تعدادی از شهروندان استرالیایی مشغول نرمش و ورزش صبحگاهی در نزدیکی سواحل غربی بوده‌اند که می‌بینند خودرویی به سمت آب‌های عمیق می‌راند. آنها متوجه می‌شوند پدری قصد دارد پسر خردسالش را با خودور غرق کند. با مداخله این شهروندان پسربرچه نجات پیدا می‌کند و پدر بازداشت می‌شود. شهروندان با تماس با پلیس ماجرا را به آنها واگذار می‌کنند. کودک خردسال آسیبی جسمی ندیده، هرچند در بیمارستان به سر می‌برد. پلیس از مداخله شهروندان قدردانی کرده است.

اسپانیا: بارش سنگین و سیلابی در اسپانیا باعث اختلال در مرکز شهر پایتخت این کشور شده است؛ قطار سریع‌السیر به سمت جنوب تعطیل و درهای چند ایستگاه مترو هم به روی مردم بسته شده است.

نیروهای امداد، آتش‌نشان‌ها و پلیس طی شبانه‌روز گذشته در بیش از هزارو ۲۰۰ مورد حادثه مرتبط با بارندگی حضور داشته‌اند. گفته شده دو شهروند ناپدید شده‌اند.

طغیان یکی از رودخانه‌های حومه مادرید باعث آب‌گرفتگی جاده‌ها و مسدودشدن آنها و اختلال در سطح شهر مادرید شده است.